



اگر تو، در برابر هر بی عدالتی از خشم به لرزه می افتی؛ بدان که یکی از رفقای من هستی.

فرمانده ارستو چه گوارا

فخر آفرینی نیروهای امنیتی کشور



ماهنامه هیس! شهادت دگروال زین العابدین آزاد مدیر حقوق بشر فرماندهی پولیس ولایت غور و دیگر سربازان شجاع و حماسه آفرین نیروهای امنیتی کشور که در دفاع جان بازانه برای امنیت و آرامش این خاک، جان فشان می نمودند به همه ملت با عزت افغانستان، به ویژه شهروندان ولایت غور و خانواده های شهدا تسلیت عرض نموده و از بازگاه خلدوند دادگر برای همه شهیدان، بهشت برین تمنا دارد.

و نیز؛ پیروزی، مقاومت و رزمندگی دلیرانه و خسته گی ناپذیر افسران و سربازان پاسدار پرچم آزادی و عزت مردم افغانستان در ولسوالی های چهارسده و پسانبد ولایت غور که مردانه در مقابل دشمنان خون و آرامش مردم ایستادگی نشان دادند را به مردم و همه نیروهای امنیتی کشور خجسته می گوید.

همچنان اداره ماهنامه هیس از همه مقامات و مردم شریف ما می خواهد که برای تشویق نیروهای امنیتی کشور، محترم دگروال عبداللخان قوماندان امنیه و ولسوالی چهارسده ولایت غور را با همه همراهان شان، که مردانه و با رشادت تام در مقابل مزدوران کشورهای بیگانه رزمیدند، مورد تقدیر بیشتری قرار دهند و نیز یکی از اماکن عمومی یا یکی از جاده های شهر فیروزکوه را به نام شهید دگروال زین العابدین آزاد نام گذاری نمایند. همچنان از توجه بی سابقه ی دولت مرکزی و مقامات محلی در امر تأمین امنیت، کمک رسانی و مرال دهی به نیروهای فخر آفرین کشور سپاس گزاری نموده، از خداوند توانا پیروزی های بیشتر شان را خواهان است.

برق غور؛ قیمت بالا، کیفیت پایین

عبدلواحد نایب زاده



همان طوری که به همه هویدا است، ولایت غور یکی از هزینه ی فی کیلووات برق در ولایت هرات ۳ افغانی، در کابل ۵ افغانی ولایت های کوهستانی بوده که ۹۰٪ مردم آن در روستاها زنده گی برای مردم غور ۳۵ افغانی به فروش می رساند چند وقت قبل یک می کنند. اکثریت مردم این ولایت برق آبی و یا جنراتوری ندارند لیتر بطول مبلغ ۷۰ افغانی به فروش می رسد؛ اما یک کیلووات برق عدای هم که دارند از بی کیفیت و قیمت گران آن، دل سرد ۳۰ افغانی فعلاً که یک لیتر بطول ۴۵ افغانی به فروش می رسد؛ اما یک شده اند. نکته ی اساسی این جاست که در زمانی برگزاری کیلووات برق هم به ۳۵ افغانی به فروش می رسد برای همسریان شهر دوره های مختلف انتخابات در سال های ۱۳۸۳، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۳ فیروزکوه این همه خیانت و جفا است که قیمت برق غور تابع هیچ اشتراک مردم به صورت گسترده بوده و آن هم یکی از نوع تغییری نیست؛ اما کسی هم به ولایت غور احساس مسوولیت امیدواری های بزرگ شان وعده های گرم و چرب نامزدان نمی کند که به داد این مردم رسیده گی کند. مائشین برق از ساعت ۶ دروغ گو و وعده خلاف برای این مردم، در زمان کمپاین ها، همانا اعمار بند برق بوده که در اخیر هر کس از آرای مردم به نفع حزب، قوم و یا هم نفاق بین مردم استفاده کرده اند که این کار آورده می شود مقدار پولی که بر روی آن نوشته شده است هیچ گاهی باعث عقبمانی و عدم اعمار بند برق گرامیک گردید که استفاده قابل قبول کس بوده نمی تواند در حالی که مزد یک کارگر و یا مامور سوء و بی شرمه از آرای پاک مردم غور و دروغ سیاستمداران دولت که مبلغ ۵۰۰۰ الی ۸۰۰۰ افغانی بیشتر نمی باشد معاش خود ناکارا را آشکار ساخت امیدواریم تجربه های خوبی برای این را به بیل برق بدهد و یا باقی مصارف زنده گی را تأمین کند؛ باید ملت شده باشد. مسووبین امریت برق غور به نسبت مسوولیتی قضاوت کنیم در این شهر زنده گی چی معنی دارد؟ هیچ یکی از نبودن و عدم درک درست از مسوولیت های شان باعث شده اند مقامات هم در این راستا توجه نمی کنند به فکر شکم و جیب های هر کس که برق غور قیمت ترین برق در افغانستان شناخته شود. پرنشاندنی خود هستند درد این مردم را کی ها باید دوا کند؟

بیکاری؛ بیماری

تدریجی در افغانستان!

طاهر یوسفی

آیا بیکاری تهداب فساد در جامعه نیست؟ آیا بیکاری عامل جرمزا در جامعه نیست؟ آیا در جامعه ی مدرن روز، جوان بیکار جایگاه دارد؟ بدون شک بیکاری منشأ و بر مبدای تمام هر آنچه فساد اخلاقی و بزه کاری که در جامعه وجود دارد ریشه است. شخص بیکار، بیمار روانی است که ناخودآگاه شر و فساد به دروازه آن زانو می زند. شخص بیکار دیوانه است که سر و پاکنده همواره به سوی چاه ضلالت و گمراهی و فساد فرد می آید. بزرگان را عقیده بر آن است که هر گاهی می خواهید شخصی را به تباهی بکشانید آنرا به بیکاری سوق دهید، زیرا تمام فساد از بیکاری سر زده و مایه هر آن چه که بدبختی هاست همانا بیکاری بوده و انسان را به آب جهالت غرق می کند، اگر می خواهید سرنوشت شخصی را به فراسوی قله های کامیابی برسانید کاری برایش فراهم کنید تا از ولگردی ها بازیاب شده و به سرنوشت سازی خود گام استوار بردارد ضرب المثل معروف داریم که می گویند: «از آدم بیکار خدا بیزار» پس دولت مردان باید بدانند که جوانان ستون فقرات جامعه را تشکیل داده و نیروی عظیم دارند چه خوب است که این محرک شکست ناپذیر را به کارهایی که علاقه دارند گماشت و از ایشان کارهای مناسب و مطابق میل و سنت سالاری و پیرسالاری سبب گشته که چنین شعارها در جامعه ما زیاد سر داده شود (آینده جامعه از آن نسل جوان است)، معنای این جمله در واقع این است که جوانان هرگاه فرسوده و سالمند شدند، می توانند مدیریت جامعه را به عهده بگیرند. هرگاه تا دو سال دیگر وضعیت کشور همین قسم ادامه پیدا کند حکومت نقشه ی مقصود خویش را گم خواهد کرد و دستگاه حکومت با همین همه وصف یعنی عدم حاکمیت قانون، عدم نوسان اقتصادی، فساد اداری، بیکاری، پول شویی و غیره به جا خواهد ماند در آخر خطاب به گردانندگان حکومت وحدت ملی، دقیقین به یاد دارم، در حین کارزارهای انتخاباتی یکی شعار شمول ساختن دو ملیون و دیگری سه ملیون جوان را سر می داند و حالا نتیجه ی این همه شعارها افترض شد!

اسلام از لوف سوزن نباید دید!

لترحمان فرزند

اتهام دروغین تعویذ نویسان به حکم کتاب جادویی شان بالای شهید فرخنده و سوزاندن جسد وی بدون داشتن کدام علل واقعی بیکار دیگر صدمه ای به دین مبین اسلام وارد شد و اسلام را با مقایسه ی مذاهب و ادیان الهی ناکامل، ددشت، وحشت، بی بنیاد و مجازی تعریف کرد. البته همین که متذکر شدم اینکه انسان های پژوهشگر اسلام را از مرجع رسول خدا و چگونگی سلوک اخلاقی وی می بینند؛ اما هستند کسانی که این موضوع را بهانه وار نکته ی ضعف بگیرند و دل شیفتگان دیگر را از تقرب قلبی که نسبت به اسلام دارند دل سرد سازند و بر راه شان تغییرات ایجاد کنند. روی هم رفته، عزیزانم هر یکی از شما معلوماتی که از اسلام به ذهن دارید بخاطر بقای این دین مقدس و جلوگیری از سواستفاده های دشمن برای کسانی که نمی دانند وسیله شوید و دامنه ی این دین را پهن تر و فراگیرتر بسازید و همیشه نسبت به وجدان تان راست باشید چونکه؛ راستی موجب رضای خداست کس ندیدم گم شود از راه راست

و بدون شک اسلام در هر دو روایت فوق (فلسفه سراسری و پاکستانی اندیشی) قربانی اهداف شوم ناپی برده گان شده است و بانگ بی عدالتی افراط و تفریط از آن سر زده است. رسول خدا می گوید که «انسان نباید از یک سو راخی دوبار گزیده شود». اما این ما استیم که بدون تأمل فکری روان می باشیم و به شعار هر بی خبر از هر چیز لیبیک می گویم حتا به شعار رمل اندارها و جادوگران.

در این اواخر فیرهای فکری تحقیر و توهین هموطنانی را در اسلام می بینم که اظهار همان گونه سخنان در شأن بشر و آن هم افغانستانی نیست. حتا آرزوی این گونه الفاظ از شخص روانی هم به دور است چه رسد به اشخاص با عقل سلیم و بدن سالم و فیلسوف، ما در جامعه ای زندگی داریم که اسلامیت شعار اساسی و معتبر قانون اساسی اش را تشکیل می دهد پس آیا نواختن ساز بی دینی از اجتماع کاملن با دین، خلاف کلیه امورات انسانی نیست و آیا نقض حقوق بشر و آزار اجتماعی به حساب نمی آید؟!

دین مبین اسلام در واقعیت به نهایت اندازه و به عالی ترین درجه، جامع و فراگیر است که سیر تکامل دین داران مذاهب دیگر را به جامع و فرهیخته بودنش مجذوب ساخته و تمایل شان را با ارایه موارد به صورت آکادمیک و تحلیلی کافی سابق و یا هم بیشتر از پیش بر انگیکته است و ایشان را به رضایت خودشان وادار به غور، پژوهش و موشگافی در رابطه به دین اسلام می نماید.

باید خاطر نشان ساخت که علی رغم این همه برجسپ زدن ها و توطئه بافی ها پیرامون بدنام سازی این دین، اکثریت قریب به اتفاق اجتماع پژوهش های شان را به صورت مثبت در ریشه یابی دین مبین اسلام و زندگی عبرت آمیز پیشوای رسولان (محمد) به خرج می دهند تا به این حقیقت کتمان شده پی ببرند و راه راست را بر راه چپ ارجح بدانند.

این که عده ای از مسلمانان فلسفه سرا و پاکستانی اندیشی چه می گویند و از اسلام چه چهره یی به تصویر می کشند، به خود شان مربوط می شود

«ذی» چیست و «ذی صلاح» کیست؟

غلام رسول مبین

همه می دانیم که حوزه ی ادبی و فرهنگی زبان دری و یا پارسی دری خیلی وسیع و پهناور است. نمی خواهم که در مورد کهن بودن این زبان بردارم و یا خدای ناخواسته به دیگر زبان های جهانی و رسمی کشور بی حرمتی کنم و یا بی توجهی روا دارم. زبان وسیله ی افهام و تفهیم است و با عامیانه گفته شود زبان وسیله ای است که میتوان منظور یکدیگر را درک کرد و دیگران نیز منظور و هدف شما را درک کند که چه می گویند و چه می جویند.

دربازیست که به نوشته ها و مکتوب ها مشاهده می کردم و می دیدم که به طور رسمی و یا غیر رسمی نگاشته میشود که ذی نفوذ، ذی صلاح و... این خود مرا واداشت تا اول بدانم که این «ذی» چیست و «ذی صلاح» کیست؟ ذی در حق یک واژه عربی است بر وزن چی و یک پیشوند است

که مفهوم واژه را گسترده تر می سازد. بعضی از متکلمین عربی بر این اند که «ذی» از جمله ضمائر اشاره یی می باشد. قابل ذکر است که زبان عربی و به برداشت من زبان قرآن کریم یگانه زبانیست که زبان دری بدون دخالت آن بالندگی و کاملیت خود را هویدا کرده نمی تواند و این دستور زبان عربی است که نقش آن را در زبان دری هویداتر و محکم تر می سازد. مثلن کسی اگر بخواهد که در مورد دستور و قواعد زبان دری معلومات کامل و یا نسبی را کسب کند به ناچار با حروف و ریشه های عربی برمی خورد که این خود نشان دهنده ی درهم آمیخته گی این دو زبان را برملا میکند. موضوعی را که اکنون درباره اش می خواهم معلومات بدهم «ذی» است، منابع زیر تقریب دیدگاه های موافق را درین مورد دارند:

لغت نامه دهخدا؛
ذی: تثنیه ی ذو و ذوی است. صاحب، دارای، سزاوار، مالک، خداوند.
فرهنگ فارسی دکتر محمد معین؛
ذی: پیشوند. صاحب، خداوند، دارا، مالک.
ذو: پیشوند. صاحب، خداوند، دارا، مالک.
ذوات: جمع ذات. خداوندان، دارندگان، صاحبان، مالکان.
فرهنگ عربی - فارسی مبین؛
ذی: اسم اشاره، مبنی بر سکون. این، اشاره به نزدیک برای مفرد مونث.
ذو: اسم جمع ذو. صاحب، دارند.

ذی که تثنیه ی ذو و یا ذوی است معانی چون صاحب، دارا، سزاوار، مالک، خداوند و غیره.... **ادامه در برگ (۲)**

نگاهی به دقیقه‌ی نو داستان‌بسی ساقی

حبیب‌الله سرود

دقیقه‌ی نود دومین مجموعه‌ی شعری استادنبی‌ساقی بعد از چاپ کتاب‌های «قصه‌ی شهر فیروزکوه (نوشته‌ی تاریخی)»، «عشق گمشده (مجموعه‌ی شعری)»، «دوبیتی‌های مردمی غور (گردآوری)»، «کارهای مشترک با دیگران: «برگ‌هایی از یک فصل (کار مشترک با میرزاخواجه‌محمدخان)»، «اسلام، زنان و صلح (کار مشترک با هفت نویسنده‌ی دیگر)» و نیز آثاری که به کوشش استاد ساقی چاپ شده‌اند: «جوانه‌های خسته (مجموعه‌ی شعری از سیدعلی مشفق)»، «مکتب آخوند (داستان کوتاه از استاد غلام‌حیدر یگانه)»، «دوبیتی‌ها و اشعار ملنگ صمد (شعرهای ملنگ صمد)» و «گازار عاشقان (اشعار خلیفه ملااحمد فقیری)» می‌باشد که به دست‌رس جامعه‌ی فرهنگی و کتاب‌خوان قرار گرفته است. این دفتر شامل ۱۵ غزل، ۱ مثنوی، ۱ چهارپایه با تعدادی از دوبیتی‌ها، دوبیتی‌ها، رباعی‌ها و شعر نو می‌باشد که با قطع و صحافت زیبا توسط انجمن فرهنگی جهانداران غوری در ۹۰ برگ به چاپ رسیده‌است. استاد ساقی از جمله شاعران کتاب‌خوان و باخبر از سرگذشت دیرینه‌ی شعر و ادبیات پارسی است. استاد ساقی دیگر شخص یا فرد نیست او خودش را به متن رسانده است و باید دیگر توسط متن شناخته شود. قابل یادآوری می‌دانم آن‌چه را که در زیر می‌خوانید برداشت من از شعرهای استاد ساقی گرامی است که در این مجموعه گردآوری شده که بیشتر شعرهای آن شعر عاطفی از نوع خاطره است تا از نوع بازی زبانی:

نه قاسم و نه حمید و حکیمی و رامش
نه روستایی و سیلاب و نه کمالی بود
(ستاره‌ی سحر: ۳۳)

غزل ستاره‌ی سحر به ویژه بیتی که در بالا خواندیم عمق تنهایی شاعر را به تصویر کشیده و گویای نوعی از بیان خاطراتی‌ست که شاعر با دوستانش داشته است. هم چنان در بیت زیر که روایت‌گر یک یادبود خصوصی می‌باشد:

درین شش سال هر کاری که کردی
به هر حالت موافق بودم، از دل
(عاشق: ۴۱)

فراموش نباید کرد که ماندگار شعر و رابطه‌ی مخاطب و متن بیشتر مربوط خاطره است تا بازی‌های زبانی. و همان‌گونه که استاد در مقدمه‌ی کتابش یادآور شده: «صادقانه عرض می‌کنم بسیاری از سروده‌هایی که در این دفتر (دقیقه ۹۰) گرد آمده‌اند، به لحاظ به اصطلاح شعریت، چندان چنگی به دلم نمی‌زنند و آن انتظاراتی را که من از شعر خوب دارم، بر آورده نمی‌سازند.» و نیز این گفته‌ها: «دقیقه ۹۰، که بیشتر شعرهایش از چهارپنج سال پیش است، خوب می‌دانم که، نمی‌تواند برای شعر امروز کابل حرف تازه‌ای به گفتن داشته باشد، اما ممکن است برای تعدادی از جوانان و شعردوستان در غور انگیزه‌ای شود برای عرضه کارهای بهتر و بیشتر.» این حرف‌ها مخاطب شعر استاد را معرفی می‌نماید و اکثر مخاطبان شعرهای استاد را جوانانی تشکیل می‌دهند که علاقه‌مند خاطره و یادبود اند چون بازی‌های زبانی برای این‌گونه مخاطبان خسته‌کننده و ملال‌آور به نظر نمی‌آیند، ولی ناگفته نباید گذاشت که شعر در نوع خود بازی با زبان است.

واژه‌هایی که بیشترین بسامد را در این دفتر داشته اند یا واژه‌هایی که کلمات شعر این دفتر اند بیشتر بار افسرده‌گی دارند و به همین لحاظ شاعر این دفتر با روح رنج کشیده و نگاه یأس‌آلودی در فضای انباشته اندوه و تنهایی ایستاده‌است، نگاه‌هایی بر یک عشق، که برایش زجر می‌دهد، عشقی که در سراسر این دفتر به افسرده‌گی انجامیده است: من می‌روم، تمام همین خانه از خودت
شیخا و یوزدلیچ و «پل کانه» از خودت



چاپ این مجموعه را به همه جامعه‌ی فرهنگی، خواننده‌گان و خوانندگان آن مبارک گفته و برای استاد بهروری و پیروزی‌های بیشتر را در همه عرصه‌ها به‌ویژه قلم‌زدن، می‌خواهم.

(من می‌روم: ۱۳)
هرچه که زجر بود کشیدیم و هرچه جذر
دیگر چه می‌کشیم ازین دهر بعد ازین؟
(وقتی که نیستی: ۶)

هرکار که می‌کنی یکن، بهر خدا
خواهش می‌کنم ، قطع نکن... قهر نکن
(اوقات تلخی: ۵۷)

می‌دانیم که «شعر، گفتن نیست!» بلکه به تصویر کشیدن و نشان دادن واضحی حرف‌های دیگران است که می‌خواهند بیان نمایند، و باید گفت که هیچ‌چیزی تا حال نایبان از زبان شعر نمانده است، پس هر شعر بیان دیگری‌ست از بیان‌های دیگر. شعر، جای اتفاق‌هاست، اتفاق‌هایی که از جنس تصویر اند و این کلمات اند که در نقاشی یک تصویر بازوی توانای شاعر می‌شوند: می‌روی جای قدم‌ها غزل می‌روید
جاده‌ها غرق تماشااست، بیا دف بزیم
(حرکت: ۲۹)

در تو چه خاطرات قشنگی نهفته است
آی سنگهای اسوژ تو بوسه‌گاو من!
(خانه‌ی من: ۳۶)

«خانه‌ی من» که شعر انتخابی من از این دفتر است، چهارپایه‌ی‌ست خیلی زیبا و بلند، آن‌چه که در این شعر، زیبا بیان شده عشق و محبت شاعر به خانه‌های گلین‌است به قولی «از قفس‌های طلایی، کلبه‌ی ویرانه بهتر.» از طنز سخت و زنده‌ای که در بیشتر شعرهای این دفتر ظاهر است در «خانه‌ی من» هم به روشنی دیده می‌شود:
تنها تو نیستی چو شهیدان کربلا
بنگر گلوی خشک درختان شهردار!
(خانه‌ی من: ۳۸)

و نیز طنزی که در این بیت دیده می‌شود:
خود را به نادانی بزنی بانو! که هوشیاری
مستوجب نفرین خلق و تحت پیگرد است
(تنهایی: ۴)

در کنار دیگر صنایع ادبی، شاعر این مجموعه بیشتر از صنعت تلمیح کار کشیده است، می‌توان گفت نگاه تند‌ی که این دفتر را ویژه ساخته است هم جدا از این امر بوده نمی‌تواند. هرچا که می‌روی، مرا همراه خود ببر
من جبرئیل نی‌ام، که برتسم ز بال خویش
(همسفر: ۶۶)

در ادامه آن‌چه که گفته آمدیم، کلمات، همه چیز شاعر اند که برای رسم لفظه‌ها، دردها، و آن‌چه را که شاعر احساس می‌کند کلمات را به کار می‌اندازد؛ اما آن‌چه که شعرهای استاد را امروزی ساخته است کلمات امروزی است؛ منظوم از کلمات امروزی آن‌چه را که ما در ماحول و اطراف مان می‌بینیم و همیشه با آن سروکار داریم می‌باشد:
تو می‌دانی که ماو این اتاقی
به فیس‌بوک و به گوگل‌تاکه، طاقی
(ماه اتاق: ۴۸)

تمام هرچه بنی آدم است، در عالم
همه به سوگ بدخشان، کجاست ساعت ساز؟
(برای ارگو...: ۵۴)

در هشت مارچ تحفه دیگر نیاقتم
یک بسته دل، برای تو آورده‌ام، غسل!
(۸ مارچ: ۵۹)

استاد با ترکیب‌سازی‌های مانند «جوکات مرمرین لب»، «قهوه‌ی چشم»، «یک ولایت‌دختر» و دیگر ترکیبات و چینش کلمات تصویرهای خوبی را ارائه کرده است و هم‌چنان با تکرار واژه‌ها و بازی با آن‌ها به بیتهایش جان داده است:

جوکات مرمرین لبانت در این خزان
از جای سبز دفتر ما، داغ‌تر شده
(دیدار: ۶۱)

بعد ازین دل‌کنان از تو نیست ممکن نیست
قهوه چشمان تو معنای معنای کده!
(قهوه‌ی چشمان تو: ۶۵)

میان یک‌ولایت‌دختر خوب
خراب چشم رویا کرده ما را
(تنها: ۴۵)

این‌جا میان دود نفس می‌کشم نفس
بر یاد چشم‌هاست، هوس می‌کشم نفس
(کابل: ۶۵)

و آن‌چه که شعرهای این دفتر را ویژه‌گی داده است زبان عامیانه و نام بردن از جاهایی‌است که بیشترین مخاطب این شعرها در آن جاها افتخار نفس کشیدن دارند:
از برکت نگاو تو «پاین» بلند گشت
تو افتخار «درة شیخاستی، غسل!
(عسل: ۲۱)

من می‌روم، تمام همین خانه از خودت
«شیخا» و «یوزدلیچ» و «پل کانه» از خودت
(من می‌روم: ۱۳)

در اخیر، چاپ این مجموعه را به همه جامعه‌ی فرهنگی، خواننده‌گان و خوانندگان آن مبارک گفته و برای استاد بهروری و پیروزی‌های بیشتر را در همه عرصه‌ها به‌ویژه قلم‌زدن، می‌خواهم.

فواید عسل برای مراقبت از جلد

مژمن مانند زخم بستر، فرحات با نزد مریشان مصاب شکر، سوخته‌گی، فرحات پاها و بالاخره فرحات میکروبی جراحی و صدمات جلدی استفاده گردد.

آزمایش‌ها نشان داده است فرحاتی که با تداوی‌های معمولی ضد میکروبی و پانسمان‌ها بهبود نیابند، با تداوی با پانسمان‌های عسل بزودی بهبودی می‌آیند درد، تورم و التهاب بزودی از بین رفته بوی نامطبوع زخم توقف یافته و دیربمدت یا برداشتن بقایای انساج مرده از زخم بدون درد و صدمات به حجات در حال نشو و نما با پانسمان عسل به سهولت صورت می‌گیرد عسل سبب تسریع التیام زخم با کمترین داغ یا اسکار می‌گردد. همچنان عسل می‌تواند بصورت کمک اولیه سوخته‌گی‌ها انجام یابد که با داشتن خواص ضد التهابی در کاهش التهاب و ناراحتی سوخته‌گی می‌تواند موثر باشد.

به گزارش سایت خبری CNN عسل می‌تواند در تداوی اکنه یا جوانی‌دانه و تورم اطراف چشم موثر باشد.

سوخته‌گی استفاده می‌نمایند عسل دارای خواص ضد میکروبی بوده و در وقایع از تداخل میکروب‌ها و تاخیر التیام زخم جلوگیری می‌نماید به گزارش انجمن متخصصین جلدی نیوزیلاند عسل دارای آزمون‌ارزینی بالا بوده که آن‌را قادر می‌سازد تا آب زخم را جذب نموده و سبب خشکی محیط زخم گردد این عمل سبب می‌گردد تا میکروب‌ها در محیط خشک زخم رشد نمایند. از جانب دیگر عسل با جذب آب سبب آزاد ساختن هایدروجن‌پراکساید گردیده و محیطی را ایجاد می‌نماید که از رشد میکروب‌ها جلوگیری نماید؛ اما با وجود این‌که هایدروجن‌پراکساید می‌تواند به جلد مضر باشد خوشبختانه آزاد شدن هایدروجن‌پراکساید به شکل تدریجی صورت می‌گیرد که به جلد آسیب وارد نگردد.

اما کدام عسل باید جهت تسریع التیام زخم استعمال گردد؟ امروز عسل‌های طبی که به بازار عرضه می‌گردد کیفیت و اصل بودن آن در لابراتوار آزمایش شده و می‌تواند در التیام زخم‌های

در امان باشد.

عسل محافظ جلد در مقابل صدمات ناشی از شعاع آفتاب، هوای آلوده و مواد شیمیایی می‌باشد.

عسل یک آنتی اکسیدانت طبیعی است که نه تنها استفا آن‌ها به شکل خوراکی مفید می‌باشد بلکه عسل می‌تواند بالای جلد تطبیق گردد. آنتی اکسیدانت‌ها می‌تواند ارگان‌های داخلی بدن را از یک نوع صدمه‌ی شیمیایی که به نام استرس اکسیداتیو یاد می‌گردد محافظت نمایند و می‌توانند به سلامت کلی بدن کمک کنند. خواص آنتی اکسیدانت عسل سبب می‌گردد تا جلد را از آسیب‌های مضره‌ی شعاع التراویولت آفتاب (شعاع ماورای بنفش) محافظت نموده و در پیشگیری از پیری زودرس جلد، لکه‌های پیری، چین و چروک زودرس صورت و بالاخره سرطان‌های جلدی کمک کننده باشد.

تسریع التیام زخم

عرب‌ها از سال‌هاست که عسل را به شکل پانسمان زخم‌های

سرخیل اخبار

• کشیدن دندان بیمار از ولایت تخار:

به قول خبرنگار رادیو آزادی، عبدالصبور برادر محمدامین توخی معاون والی غور از یک سال به این سو به صفت معاون دکتر دندان در ولسوالی تیوره از سوی موسسه ACTD استخدام شده بوده که غیرحضور و بدون سند تحصیلی دندان‌مریضان خویش را از مجامع کجای ولایت تخار تداوی می‌نموده است. معاش‌ها نوش جان!!!

• در محفل معرفی قوماندانان، مشرک‌خواندن مسلمانان: محمدحکیم کزری رییس محکمه غور در محفل معرفی پاسوال غلام‌مصطفی محسنی قوماندان امنیه غور به جامعه مدنی و حقوق بشر تاخت و آن‌ها را مشرک کشید. بعد از این همه بگومگوهای دور و دراز، حکیم، حکیمی را مشرک خواند و حکیمی، حکیم را کوک‌باز

• فوتبال غور، مثل امور:

از اثر بی توجهی مقامات در راستای ورزش، مثل دیگر امور، این بار نیز تیم فوتبال ولایت غور با اشتراک در میدان سبز زون غرب با همان نتیجه همیشه‌گی و طبق معمول با نصیب شدن گل‌های زیادی تشریف آوردند. از کنار بودجهی اعمار استادیوم ورزشی که به خیر بگذریم از اثر باران‌های متواتر میدان ورزشی غور به بند امیر راه یافته است.

• «من در عجم که من تو ام یا تو منی؟»

با افزایش تعداد موثرهای بی‌استاد در شهر فیروزکوه، ادعای هویت بین «شهر» و «پارکینگ» اوج گرفته‌است؛ «شهر» می‌گوید اگر تو «پارکینگ» استی من کیستم؟ «پارکینگ» می‌گوید اگر تو «شهر» استی من کیستم؟ حالا به فیروزکوه چه بگویم؟ شهر بی‌پارکینگ یا پارکینگ شهر مانند؟

خوش بین باش تا خوش باشی



استاد عبدالله صالح

گاهی که انسان زندگی روزمره‌ی خود را، زیر زره بین اخلاقی و انسانی از نظر معنوی قرار می‌دهد، متوجه می‌شود نواقص می‌گردد، که شیرازی پیکر انسانیت را، نه تنها متزلزل می‌سازد، بلکه راه و سیر زندگی انسان را برایش تاریک و غبارآلود می‌گرداند.

از جمله نقیصه‌ی بارز و اساسی که تأثیر مستقیم منفی روی مورال زندگی انسان دارد، پدیده‌ی بد منشی و بد بینی است که حس خودبینی و خودخواهی را، در نهاد انسان، ایجاد کرده و اشباع می‌کند و سرانجام، انسان را به راهی سوق می‌دهد که انجامش بغض و حسد، عذاب وجدان، قتل، خشونت، درد و آلم است. و گاهی این پدیده‌ی منفور در ضمیر آدم، به پیمانهای رشد می‌کند که راه بیرون رفت از حیطه‌ی خودخواهانه‌اش، بر آن مسدود می‌گردد. و حس خودخواهی آن برایش اجازه نمی‌دهد تا دیگران را نیز مانند، خودش نیکو ببیند. همیشه سعی دارد تا معموله‌ی منت را بر دوش دیگران، به گونه‌ی حمل کند، و این منوال را خط مشی خود قرار می‌دهد که فالان بد است؛ زیرا چنین عیب دارد. یا چنین موضع گیری را انتخاب می‌کند که دیگران را همیشه هدف قرار می‌دهد. و دائم الاوقات به فکر منفی بافی و برجسب زدن دیگران، می‌باشد و ورد زبانش، این می‌باشد که فالان شخص و یا فالان اشخاص و فالان طیف و فالان گروه بد اند و دارای این مشکل و این عیب‌ها می‌باشند. بالاخره این پیکار به جای می‌رسد که صحنه‌ی زندگی را مختل ساخته و زندگی را نامیوم می‌سازد و در نتیجه زندگی را خانه‌ی مشاجره و

ایجاد نمایم، تا باشد که از راه‌های بدبختی‌های ذهنی نجات یافته و در پرتو اخلاق زندگی شیرین را تجربه نمایم قسمت اعظم از زندگی پُربهای مان را، وقف این چنین کشمکش‌های بی‌ارزش نمایم. در مقابل باید دانست که این وظیفه‌ی انسانی ما است تا خوش‌بین،

در آویزی‌های رنج‌آور و طاقت‌فرسا می‌سازد. برای اینکه زندگی خود را خوش‌برخورد و خوش‌منظر باشیم، تا زندگی خود را سیاه‌رنگ و الم‌آور نسازیم، یا اگر بخواهیم نفس راحت تری، در زندگی مان سلاله‌ای از خوشی و خوشبختی‌ها بسازیم، تا شود که بکشیم یا خواسته باشیم خوش و خوش‌تر زندگی نمایم، باید از این میدان، پرتده‌ی سیاه‌بال غم و اندوه، رنج و مصیبت، بر فراز زندگی نه تنها فاصله بگیریم، بلکه باید به این پیکار نامیوم خاتمه بدهیم و این ما پُرفراسی نتواند. و درسایه‌ی آسایش و فضای عطرآگین روش را در زندگی مان انتخاب نمایم که، پیامبر خدا و محبوب دل‌های مان خوش بینی زندگی مان را پیش ببریم. علاوه بر این، ما چرا ارشاد فرموده است، آنجا که مهربانانه، دستور می‌دهد که «اگر همسر شما بدمنش و بدبین باشیم؟ در حالی که لذت در خوش‌بینی و دارای عیب‌ها و خوبی‌ها می‌باشند، به خوبی‌های نگاه کنید، نه به بدی خوش رفتاری است. من به این باور هستم که بهترین راه هایش» (مضمون حدیث) یا در جای‌که می‌فرماید «اگر بخوای که دوست باشیم؛ اگر چه عملاً با آنها گاهی در ستیز هستیم. نه تنها با بی‌عیب داشته باشی بی‌دوست میمانی» (مضمون حدیث)

از این دو فرمان پیامبر ما چنین برداشت می‌کنیم که ما نباید دنبال بررسی انسان‌ها، ما باید خوش بین باشیم بلکه، باید با تمام بدی‌ها و نقطه ضعف‌های دیگران باشیم، و سعی داشته باشیم تا ایشان را موجودات ماحول خود خوش‌بین باشیم، چون همه از درجه‌ی زشتی‌های شان بنگریم تا سبب گردد، که ضمیر خود و فکر و مخلوقات خداوند حکیم‌اند که هیچ کار آن بدون حکمت ذهن دیگران را آزرده سازیم و زندگی‌مان را خانه‌ی مشاجره و در نمی‌باشد. دقیقاً؛ باید فلسفه‌ی وجود هر موجود را تحقیق آویزی‌های رنج‌آور و طاقت‌فرسا بسازیم، چون طبیعی است که به هر کرده، خوبی‌ها و فشنگی‌هایش برای ما آشکار می‌گردد. اندازه‌ای که نسبت به کسی در ذهن خود بدبینی و ناخوش بودن را جای سپس از درجه‌ی خوبی‌هایش آن را مطالعه نموده و درج بدهیم به همان اندازه روحا نراحتی و نگرانی را به دوش می‌کشیم که رُفقای زندگی‌مان نمایم. بلی جِداً عرض می‌کنم که، چنین بدون شک خواسته و عمل‌خودمان است و آگاه راه را به جای می‌کشیم است. شما خودتان عادلانه قضاوت نمایید، هر شخص، هر که نتیجه‌اش جز پریشانی و نگرانی ذهنی ما چیزی نخواهد بود، پس گروه و هر ملت را مورد مطالعه قرار بدهید، خواهی یافت شایسته همین است که با الگو قرار دادن و پیروی از گفته‌های پیغمبر و که در پهلوی اندک زشتی‌هایش، خوبی‌های بسیار فراوانی سردار و رهنمای بشریت هدایت گرفته زندگی باورمندان و خوش‌بین را نیز دارد. پس عزیز دلم دو چشم حقیقت بین خود را باز ایجاد نمایم، تا باشد که از راه‌های بدبختی‌های ذهنی نجات یافته و در کن، از روزنه‌ی خوش‌بینی به جهان و جهانیان نگاه کن تا

آگاهی‌های تجار تی شماد این جا

اکادمی علمی و آموزشی الحق در بخش‌های آموزش زبان انگلیسی با ارایه جدیدترین سیستم آموزش زبان انگلیسی در افغانستان به نام (Touchstone) که شامل چهار کتاب می‌باشد، آموزش زبان عربی، ادبیات دری و پشتو، ریاضیات، دوره‌های ویژه کانکور، علوم طبیعی، تجوید، ترجمه و تفسیر قرآن کریم و خطاطی که تحت نظر استادان مجرب تدریس می‌گردد، شاگرد می‌پذیرد. شماره تماس: ۰۷۷۶۱۵۷۴۱۱ / آدرس: اکادمی علمی و آموزشی الحق، شرق تعمیر کهنه‌ی لیسه سلطان‌عبداللین غوری، کنار دریای هریرود.

فروشگاه شفیق‌الله سعادت با عرضه جدیدترین و با کیفیت‌ترین لباس‌های زنانه و مردانه و هم‌چنان باداشتن هر نوع عطریات، وسایل و لوازم آرایشی زنانه و مردانه از مشهورترین کمپنی‌ها با نازل‌ترین قیمت در خدمت همشهریان عزیز شهر فیروزکوه می‌باشد. شماره تماس: ۰۷۹۴۷۷۷۹۱۹ / آدرس: چهارراه منار جام پهلوی دواخانه شهاب.

